

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Political

ادبی - سیاسی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین - ۲۰ اپریل ۲۰۱۷

از "أم المَعَارِك" تا "مادرِ بمها"

پرتاب "مادرِ بمها" در شرق افغانستان، قسمی، که اشغالگران قصداً می خواستند، انعکاس وسیعی در تمام جهان بار آورد و در وطن عزیز ما نیز چنین بود. بررسی موضوع در صفحات اینترنتی هم بسیار گسترده بود و بسا کسان به قدر ظرفیت و برداشت خود در زمینه قلم فرسودند. اما تحلیلاتی را، که درین عرصه پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" عرضه کرد و بالخاصه شگافتن کُنه مکتوم و ناشگافته موضوع از قلم تحلیلگر نخبه وطن، استاد سید حسین "موسوی" در صفحه پریروز پورتال قابل دقت است. آنچه اینک از نظر خواننده ارجمند می گذرد، بر یک بعد کوچک و بُعد دیگر این نکته مکت می کند. مردم عوام کابلی، که در رُموزفهمی طاق اند و طاق در طاق، از قدیم گفته اند، که:

"زمین، که بُوره شد، هر گیاه ده اش سبز میکنه"

"بوره" (به ضم اول و واو مجهول و به وزن "شوره" و "جوره") لغت مشهور در زراعت و دهقانی ست و آن را هر باشنده افغانستان می شناسد. این کلمه را فرهنگهای مدل ایرانی ثبت نکرده اند؛ چون ایرانیان هرگز و هیچ عنایتی به "دری افغانستان" ندارند و مدّ نظر ایشان فقط و فقط "فارسی ایران" است. گوئی فکر می کنند، که همین زبان خودشان است، که باید مورد پذیرش دیگران باشد!!!
"بوره" زمینی را گویند، که کشت نشده باشد. در افغانستان بعضاً دهقانان برای یک فصل، قطعه زمینی را بوره نگه می دارند، تا قوت خود را بازیابد و به اصطلاح عوام کابلی دم راست کند.
مُفاد مثل بالا مگر این است، که:

در زمین بوره و زمین بدون سرپرستی دهقان، هر گیاه هرزه و ناخواستنی می تواند بروید؛ و می روید!!!
این مثل خوب به یاد ما باشد، تا به محل استعمالش برسیم.
در زبان عربی، از قدیم برای تشخیص تسمیه و علم ساختن "شخص" یا "شیء"، از کلمات "أب" (پدر) و "أم" (مادر) و "ابن" (پسر) استفاده می کرده اند؛ چنان، که "أمّ الفراء" گفتند و "ابن السبیل" و "ابو هریره"

و "ابوالهول" (هیكل معروف مصر) و "أم البلاد" - که مراد از "بلخ" است - و "ام الامراض". و در زمینه علوم و فنون و معارف و فلسفه، اشخاص نامور و مشهوری چون "ابن الرشد أندلسی" - در فلسفه - و "جابر بن حیان سیستانی" (کاشف "الکحل") - در کیمیا - و "محمد بن موسای خوارزمی" - در ریاضی - و "ابوعلی حسین بن سینای بلخی" - در انواع علوم و فنون، از طب و موسیقی و ریاضی گرفته تا به فلسفه - و "ابو تراب" - لقبی، که پیغمبر به علی بن ابی طالب داده بود - و "ابوطالب" و "ابوحنیفه" و "ابوعبیده" و "ابوالفوارس" و "ابونواس" و "ابوجهل" و "ابولهب" و سرانجام "ابن خلدون" - در جامعه شناسی - و "ابن بطوطه" - در سیاحت - و "ام کلثوم" (خواننده شهیر و فقید مصر) مثالهای بارز این تداول است. چنین تداولی بعد به ادبیات دری/فارسی نیز رسوخ یافت و وقتی متقدمان شعر و ادب و علم و عرفان منطقه را مد نظر می گیریم، به صدها مثال این دست، دست می یابیم.

نمی دانم، زیر تأثیر همین نکته بوده است، که در زبان گفتار و زبان عامیانه کابلی به مثالهایی ازین سنخ برمی خوریم. چنان، که "مادر اولادها" گویند و زنان کابلی کودکان شکمبو را "مادر نفس" می گفتند. و نامگذاری حشره معروف ولی کریه و کرک، به "مادر کیکان" نیز چنین ترسبی را نشان می دهد.

اما در ادبیات سیاسی - نظامی جهان به اصطلاح "عرب":

وقتی تجاوز اول امریکا بر عراق - به بهانه اشغال کویت - در آستانه حلول بود، "صدام حسین"، که خود را "بطل اعراب" - یعنی "قهرمان و کاکه جوان اعراب" - فرض می کرد، در صدد بود، تا جلو این تجاوز را بگیرد و حتی آن را خنثی بسازد. صدام مغرور ولی خوشباور و آبن، که زیر تأثیر تبلیغات دروغین غرب رفته و اردوی خود را "پنجمین اردوی بزرگ جهان" می شمرد، تیاری جنگ را می گرفت و درین میان جنگ تبلیغاتی در هردو جبهه رونق گرفته بود. همان رقمی، که "آدولف هیتلر" برای دولت خود خواب هزار سال را دیده و از "رایش هزارساله" Tausendjähriges Reich سخن می گفت، "صدام حسین" جنگ دفاعی خود را به مقابل تجاوز اتازونی، "ام المعارک"؛ یعنی "مادر جنگها" نامگذاری کرد؛ یعنی جنگی، که گویا تاریخ نظیرش را به خود ندیده است و گفت:

«اگر امریکا بر عراق تجاوز کند، چنان محشری را برپا کنیم، که متجاوزان در دریای خون خود غرق گردند و به اصطلاح عوام کابلی "در خون خود شت بزنند"!!!»

عاقبت این جنگ را مگر دیدیم و سرنوشت صدام بدبخت را نیز!!!

ذکر این همه مثال فقط به خاطر این بوده تا ببینیم، که اینک امریکا نیز از همین شیوه تسمیه عربی و منطقه ما کار گرفته و بمب بزرگ خود را "مادر بمها" نامید. تا جایی، که برای من معلوم گشته است، این شیوه تسمیه قبلاً در عرف زبان انگریزی و بالخاصه انگریزی امریکائی تداول نداشت و امریکائیان در چنین موارد از کلمه "جمبو" Jumbo کار می گرفتند؛ چنان، که طیاره عظیم و غولپیکر Boeing - 747 خود را "جمبوجت" Jumbo-Jet نامیدند و همین قسم هر چیز دیگر بسیار کلان را با "جمبو" علم کردند و مثلاً Jumbo-Gun "تفنگ جمبو" گفتند و ازین سیاق کارها کردند. مگر:

کارکشتگان و اشنگن حتماً در نامگذاری و تسمیه متداول اینجائی این بمب، هدف خاصی را نشانه گرفته اند، که روزی نی روزی، آشکاره خواهد گشت. و اگر به مثل کابلی روی آوریم:

امریکائیان گوئی وطن ما را "زمین بوره" فکر کرده اند و یا "مال بی صاحب"، که هر کاری را، که دل گنده و گندیده شان بخواهد می توانند درین ملک انجام دهند. از ابتدای تجاوز امریکا و ناتو، تاکنون انواع و اقسام اسلحه و مهمات درین سرزمین استعمال و آزمایش شد و به یقین بازهم خواهد شد. اشغالگران هرچه در چانته دارند، عملی خواهند کرد؛ قدر مسلم مگر اینست، که:

«شاهنامه را آخرش خوش است!!!»

تاریخ ما در مورد جهانکشایان حکم و دستور نانوشته ای را صادر کرده است، که دیر یا زود عملی شده و خواهد شد. به یقین، که این بار نیز دستور تاریخ خطا نخواهد کرد و جزای سزاوار تجاوزگر را خواهد داد. این سرزمین را "گورستان امپراتوریها" نامیده اند؛ و این لقب مفت و هوائی به دست نیامده است!!!